



ویژگی‌های شناختی و رفتاری مؤثر بر عملکرد اساتید گروه معارف اسلامی

حسب‌الله کاظم‌خانی^۱

چکیده

هدف: هدف از نگارش این مقاله، احصا و تشریح ویژگی‌های شناختی و رفتاری مؤثر بر عملکرد اساتید گروه‌های معارف اسلامی در دانشگاهها با الهام از آرای آیت‌الله مصباح یزدی است. **روش:** این پژوهش از حیث گردآوری اطلاعات، کتابخانه‌ای و تجربیات شخصی و از نظر شیوه پردازش اطلاعات، تحلیلی - استنتاجی است. **یافته‌ها:** اهم ویژگی‌های شناختی عبارتند از: آشنایی با پدیده دین، به خصوص کلیات دین اسلام؛ آشنایی با کلیات علوم اسلامی؛ آشنایی با کلیات تاریخ اسلام؛ آشنایی با یک دوره تفسیر فشرده قرآن؛ آشنایی با فرق اسلامی با تأکید بر فرقه‌های زنده و تأثیرگذار؛ آشنایی با نظام حقوقی اسلام؛ آشنایی با مسائل مبتلابه فقهی خود و دانشجویان؛ آشنایی با شبهات جدید دینی؛ آشنایی با ادیان جهان و جنبشهای نوپدید دینی؛ آشنایی با مسائل روز؛ آشنایی با مؤلفه‌های دنیای جدید و پیامدهایشان؛ تسلط به دو زبان عربی و انگلیسی؛ تسلط کامل به متن درسی؛ شناسایی منابع تکمیلی معتبر متون درسی و آشنایی با رشته‌های مختلف دانشگاهی. اهم ویژگی‌های رفتاری (اخلاقی) عبارتند از: صداقت، عدالت، تواضع، سعه صدر و خیرخواهی. **بحث و نتیجه‌گیری:** تربیت اساتیدی با ویژگی‌های احصا شده، با همه دشواری‌هایش، ضروری و ممکن است و این مهم باید به طور مستمر از دوره کارشناسی آغاز و در به کارگیری اساتید حق‌التدریسی بازنگری شود.

واژگان کلیدی: باور دینی، تحوّل اخلاقی، ویژگی‌های شناختی، ویژگی‌های رفتاری، اساتید معارف اسلامی.

دریافت مقاله: ۰۰/۰۱/۱۹؛ تصویب نهایی: ۰۰/۰۴/۱۰.

۱. دکتری فلسفه؛ استادیار گروه معارف اسلامی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان. تبریز، ایران (نویسنده مسئول) / نشانی: استان آذربایجان شرقی، تبریز، ۳۵ کیلومتری جاده تبریز- مراغه، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان نمابر: ۰۴۱۳۴۳۲۷۵۰۰

Email: kazemkhani@yahoo.com

الف) مقدمه

در پی وقوع انقلاب اسلامی مردم ایران در بهمن ۱۳۵۷ شمسی و استقرار حکومت اسلامی، بسترهای مساعد و امکانات و ابزارهای مناسب برای ایجاد، تصحیح و ارتقای هر چه بهتر و بیشتر سطح معرفت دینی عموم مردم، به ویژه قشر جوان و فرهیخته فراهم شد. از این رو، در کنار فعالیتهای دینی حوزه‌های علمی و مساجد، مؤسسات و نهادهای تعلیمی و تربیتی و تبلیغی عدیده‌ای بنیان نهاده شدند تا با بهره‌گیری از ابزارها و شیوه‌های نوین آموزشی و تربیتی، تحقق این مهم را در سطوح مختلف به عهده بگیرند که گرفتند؛ فارغ از اینکه در این راه تا کجا موفق شده‌اند که اکنون محل بحث نیست.

یکی از ارکان اساسی رشد و پیشرفت همه‌جانبه و در عین حال آسیب‌پذیر هر جامعه‌ای، قشر دانشجویست. این قشر با ورود به دانشگاه و تحصیل در رشته‌های مختلف تخصصی و نیز آشنایی با فرهنگهای متنوع در پرتو مراودات با اساتید و دانشجویان از سراسر کشور و نیز آگاهی از مکاتب فکری گوناگون در سایه مطالعه و تحقیق و تعاملات بین‌المللی و نظایر آن، همزمان با رشد دانایی و توانایی‌شان، در معرض آسیب و تهدید جدی فکری و عقیدتی قرار می‌گیرند. از این رو، با بازگشایی دانشگاهها پس از تعطیلی موقت، متصدیان فرهنگی ناگزیر باید چاره‌اندیشی می‌کردند. در همین راستا، شورای عالی انقلاب فرهنگی (ستاد انقلاب فرهنگی سابق) به عنوان مرکز مهندسی فرهنگی کشور، در راستای تغییر برنامه‌های آموزشی دانشگاهها، ضمن ایجاد گروه معارف اسلامی، درس اعتقادی و دینی را در قالب دروس عمومی معارف اسلامی به ارزش ۱۴ واحد درسی به عهده آن گذاشت (دیرخانه شورای انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۷: ۴۵۸-۴۵۹). از آن پس، رسالت عظیم ایجاد بینش دینی و پاسخ به سؤالات و رفع شبهات در حوزه‌های مختلف فرهنگ و معارف اسلامی و نیز ایجاد تعهد و انگیزه نسبت به رعایت اصول و ارزشهای اسلامی، همواره بر عهده گروه مذکور بوده است.

گروه معارف اسلامی که فعالیت در آن به دلیل عمومی و مطابق روال بودن دروس آن، در بادی نظر بسیار آسان می‌نماید، ولی در عمل به غایت دشوار و حساس است و با توجه به رسالت خطیری که بر عهده دارد، به طور قطع از جهات مختلفی با سایر گروههای موجود در دانشگاهها تفاوتی بنیادین دارد. درست است که این گروه همانند هر گروه آموزشی دیگر دو رکن رکن؛ یعنی اساتید و محتوای درسی دارد و بدون سامان یافتن آن دو نباید چندان امیدی به تحقق رسالتش داشت؛ ولی در این میان، نقش و اهمیت اساتید این گروه با توجه به رسالت فرهنگ‌سازی و شأن تربیتی‌شان، مضاعف است و برای داشتن عملکرد مؤثر باید از یک سری ویژگی‌های شناختی و رفتاری خاص برخوردار باشند.

نگارنده در اين مقاله مي‌كوشد با بضاعت مزجاتي كه طي قريب به دو دهه تدريس و فعاليت در آن گروه آموخته و اندوخته است، پاره‌اي از ويژگي‌هاي شناختي و رفتاري اساسي اساتيد اين گروه را به اميد رساندن فايده و تأثيرگذاري بيشتري به شاغلان به اين شغل خطير و ظريف به بحث بگذارد. گرچه گمان مي‌رود كساني كه از نزديك با مسائل، معضلات و اقتضائات اين گروه آشنا نيستند و فقط از دور دستي بر آتش دارند، محتوای اين نوشتار را قدری غريب و چه بسا اغراق‌آمیز و حتی آرمانگرايانه بيبند؛ ولی به نظر راقم اين سطور، فهم و هضم و حتی تأييد آنها برای كساني كه در اين فضا تنفس کرده‌اند و درد دين دارند و تدريس در اين گروه را صرفاً رفع تكليف و جلب منافع نمی‌انگارند، چندان دشوار نخواهد بود.

ب) روش تحقيق

روش تحقيق در پژوهش حاضر با توجه به نوع مسئله تحقيق، روش كفي پديدارشناسي است؛ يعني نگارنده با مطالعه كتابها، مقالات و سخنراني‌هاي صاحب‌نظران، به ويژه آيت‌الله مصباح يزدي، در باب موضوع تحقيق و نيز تجربه زيسته خود (به مثابه بازنمايي از تجربيات و انتخابهاي شخص معين و دانش برآمده از آن تجربيات و انتخابها در تحقيقات پديدارشناختي كفي)، كوشيده است با تعليق پيش‌داوري‌ها، نظريه‌پردازي‌ها و پيش‌فرضها و تعمق در آنچه از مجراي سالها افت و خيز با دانشجويان، اساتيد و متون معارف اسلامي در آگاهي خود يافته است، به داوري بنشيند و به تحليل و استنتاج پردازد؛ زيرا روش پديدارشناسي بدون توجه به تجربه زيسته محقق و افراي كه در تحقيق حضور دارند، قابل درك نيست.

ج) پيشينه تحقيق

در اينكه درباره وضعيت موجود و مطلوب گروههاي معارف اسلامي در حوزه جايگاه استاد، محتوای درسي، شيوة تدريس و نظاير آن تحقيقات ميداني فراواني صورت گرفته است، شكي نيست (از جمله: فيروزي، ۱۳۹۴: ۱۵۱-۱۷۳؛ غلامی گنجوی و شمایی، ۱۳۹۸: ۴۲۸-۴۱۵)؛ ولی در خصوص جنبه و روشی كه نگارنده بدان پرداخته است، بر حسب تفحص و اطلاع، تاكنون مطالعه و پژوهش درخور و نظام‌مندی انجام نشده است. البته در ضمن برخي مصاحبه‌ها و سخنراني‌ها و مقالات، به برخي بايدها و نبايدها، اولويتها و ضرورتها، كمبودها و نيازهاي اساتيد معارف، فهرستوار اشاراتي شده است (موسوی مقدم، ۱۳۹۲: ۳۷؛ مظاهري، ۱۳۸۹: ۸؛ عباسی، ۱۳۹۱: ۶۲؛ محسن‌پور، ۱۳۹۳: ۴۸؛ مصباح يزدي، ۱۳۷۸: ۲۷). يكي از كساني كه به تربيت اساتيد معارف اسلامي با سه ويژگي ضروري داشتن معلومات ديني (دين‌شناس بودن)، تخلق به اخلاق و تقوا و آگاهي به زمانه (زمانه‌شناس بودن)، تأكيد مؤكد کرده و آن سه را مكمل يكدیگر دانسته، مرحوم آيت‌الله مصباح يزدي است (همان). از آنجا كه بيان ايشان در اين زمينه مجمل است و تشریح و نحوه کسب آنها را به ديگران توصيه کرده‌اند،

1080 ♦ ویژگی‌های شناختی و رفتاری مؤثر بر عملکرد اساتید گروه معارف اسلامی

نگارنده در مقاله حاضر می‌کوشد آن سه توصیه را با عنوان «ویژگی‌های شناختی و رفتاری مؤثر بر عملکرد اساتید گروه معارف اسلامی» شرح و تفصیل دهد، هرچند این احصا به معنای استقرای تام و تمام آن ویژگی‌ها نیست.

د) ویژگی‌های شناختی و روشی مؤثر بر عملکرد اساتید گروه معارف اسلامی

ویژگی بارز هر استادی، از جمله اساتید گروه معارف اسلامی، توانایی شناختی و روشی اوست؛ یعنی هم باید دانش و تخصص لازم و کافی را در حوزه و رشته تدریس‌اش داشته باشد و هم توان انتقال آن دانش و معلومات را به مخاطبان‌ش به نحو احسن از دو طریق «بیان» و «ابزار» (محدثی، ۱۳۷۷: ۱۷۸)؛ بدین شرح که اساتید این گروه افزون بر آشنایی و بهره‌گیری از ابزارها و اتخاذ شیوه‌های مؤثرتر و نوین آموزشی و داشتن بیان قوی و دلنشین (که فعلاً محل بحث نیست)، باید از جامعیت نسبی علمی ویژه‌ای نیز برخوردار باشند. یعنی اولاً، باید از ابعاد گوناگون دین اسلام، اعم از عقیدتی، اخلاقی، حقوقی، تجربی، اجتماعی، تاریخی و مانند آن آگاه باشند، صرف نظر از اینکه در کدام گرایش تدریس می‌کنند (دین‌شناسی)؛ ثانیاً، نسبت به مسائل و پدیده‌های اجتماعی، به خصوص مسائلی که آموزه‌های دینی را به انحای مختلف به چالش می‌کشند، مثل ادیان زنده جهان، جنبش‌های نوین دینی، مسئله شُرور طبیعی و اخلاقی و نیز سایر رقبای دینی، وقوف داشته باشند (زمانه‌شناسی). بنابر این، بخشی از ویژگی‌های شناختی مربوط به معلومات دینی این اساتید است و برخی دیگر مربوط به آگاهی از اوضاع و احوال سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و مسائل و حوادثی که به نحوی با دین ارتباط و تقابل پیدا می‌کنند. اهم ویژگی‌های شناختی این اساتید، اعم از دینی و عمومی عبارتند از:

۱. آشنایی با پدیده دین، به خصوص کلیات دین اسلام

نخستین چیزی که استاد معارف باید در درجه اول خودش داشته باشد و سپس آن را در اختیار دانشجو قرار دهد، نگاه مکت‌وارانه یا نگاه از بالا نسبت به پدیده دین و ابعاد گوناگون آن، به ویژه دین اسلام است؛ یعنی هم باید شناخت اجمالی و کلی از پدیده دین و نسبت آن با پدیده‌های مشابهی چون جریانها و جنبش‌های معنویت‌گرا برای جلوگیری از خلط آنها با یکدیگر داشته باشد و هم دیدی کلی از اسکلت و اجزای تشکیل‌دهنده دین اسلام حاصل کند و سپس وارد جزئیات آن شود و به مسائل آن، شناخت دقیق‌تر و شفاف‌تر پیدا کند. خیلی مهم است که دانشجو ابتدا این دید کلی را پیدا کند که مجموع تعالیم دین اسلام از سه بخش اصلی اعتقادات، اخلاقیات و احکام (عمل) تشکیل یافته و اینکه هر یک از این بخش‌ها شامل چه سنخ مسائلی است و نقش هر یک از آن مسائل در زندگی انسان چیست و آن سه بخش چه ربط و نسبتی با یکدیگر دارند. به اجمال می‌توان گفت که بخش اعتقادات شامل مسائلی چون: توحید، صفات خدا، نبوت عامه و خاصه، معاد و برخی مسائل دیگر است. این بخش دین، پاسخگوی سؤالات انسان درباره جهان

هستی و جایگاه انسان در آن است. بخش اخلاقیات شامل مسائلی از قبیل تقوا، شجاعت، عفت، صداقت، خوش‌خلقی، ایثار، خیرخواهی و غیره است. در واقع؛ بخش اخلاقیات دین اسلام شامل مسائل «چگونه بودن» انسان از حیث صفات روحی و خصلتهای معنوی است. بخش احکام نیز مربوط به کار و اعمالی مانند نماز، روزه، حج، جهاد، امر به معروف و نهی از منکر، بیع، اجاره، نکاح و غیره است (طباطبایی، بی تا: ۶-۴؛ مطهری، ۱۳۷۴: ۱۵-۱۶). پس از این شناخت کلی، دانشجو درخواهد یافت که در هر یک از دروس ارائه شده با کدام بخش دین سروکار دارد و کدام بخشها در این دروس مطرح نشده است.

۲. آشنایی با کلیات علوم اسلامی

در اینکه مقصود از علوم اسلامی چه علمی است، تعریفهای گوناگونی ارائه شده است (مطهری، ۱۳۷۴: ۱۸-۱۵). ولی در اینجا مراد از علوم اسلامی، علمی است که در فرهنگ و تمدن اسلامی سابقه طولانی دارند و به نحوی در تبیین و تعمیق تعلیمات دینی به کار می‌آیند؛ مانند منطق، فلسفه، کلام، عرفان، اصول فقه، فقه و... اساتید معارف در این زمینه باید لافل در حد کتاب سه جلدی «آشنایی با علوم اسلامی» اثر استاد مطهری معلومات داشته باشد. وجه دیگر ضرورت آشنایی با این علوم این است که کلاسهای گروه معارف یکدست نیستند و از گروههای مختلف اعم از انسانی و غیر انسانی در کلاس درس حضور دارند و گاهی دانشجویان یا درباره خود این علوم سؤال دارند یا سوالاتشان به گونه‌ای است که به کمک این علوم می‌توان پاسخ داد.

۳. آشنایی با کلیات تاریخ اسلام

مسئلاً، آشنایی با تاریخ یک دین، کمک شایانی به فهم آن دین می‌کند و دین اسلام نیز از این قاعده مستثنا نیست. برای مثال، آگاهی از شأن نزول آیات قرآن، در فهم معانی و مفاهیم آن نقش اساسی دارد. علاوه بر این، رفتار و گفتار پیشوایان دینی و در رأس آنها پیامبر اسلام (ص) که به عنوان الگو و اسوه حسنه برای مسلمانان معرفی شده‌اند، در تاریخ اسلام ثبت و ضبط شده است. افزون بر این، آشنایی با تاریخ دین اسلام، به خصوص از آغاز تا پایان خلافت خلفای چهارگانه، به سبب اختلافاتی که میان امت اسلامی بر سر جانشینی پیامبر اسلام (ص) پیش آمد، ضرورت دارد. برای این منظور می‌توان کتابی را مثلاً در حد و سبک و سیاق کتاب «تاریخ تحلیلی اسلام» (شهیدی، ۱۳۸۲)، با تأکید بر مسائل اختلافی پیشنهاد کرد تا اساتید این گروه مطالعه کنند؛ فارغ از اینکه در کدام یک از گرایشهای دروس معارف اسلامی تدریس می‌کنند.

۴. آشنایی با یک دوره تفسیر فشرده قرآن

قرآن کریم اساس و مبنای باورهای دینی و به تعبیر دیگر، سنگ بنای تمدن اسلامی و محک صدق و صحت احادیث منقول از پیامبر (ص) و ائمه معصومین (ع) و سرچشمه اغلب علوم و معارف اسلامی است. از سوی دیگر، مطالبی که در گرایشهای مختلف گروه معارف اسلامی در دانشگاهها تدریس می‌شود، ریشه قرآنی دارند. بنابر این، آشنایی با یک دوره تفسیر قرآن، دست کم در حد «برگزیده تفسیر نمونه» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۶) برای هر مسلمان فرهیخته‌ای، به خصوص اساتید گروه معارف اسلامی، ضرورت دارد.

۵. آشنایی با فرق اسلامی با تأکید بر فرقه‌های زنده و تأثیرگذار

بدون شک، از زمان رحلت پیامبر اسلام (ص) تاکنون، گروه‌های مختلفی با ادعای حقانیت گروه خود، در جهان اسلام ظهور کرده‌اند و هر از چند گاهی سبب نزاعهای خانمانسوز در میان امت اسلامی شده‌اند. گرچه برخی از این گروه‌ها در طول تاریخ به دلایل متعددی از میان رفته‌اند، ولی برخی دیگر در حال حاضر زنده‌اند و طرفداران و احیاناً قدرت سیاسی به دست آورده‌اند و هم‌اینک در فرهنگ اسلامی نقش ایفا می‌کنند. گذشته از دو گروه عمده اهل تسنن و تشیع، سه گروه وهابیت، باییت و بهائیت، و اهل حق، اغلب از ناحیه دانشجویان مورد سؤال قرار می‌گیرند. بنابر این، ضروری است استادان این گروه، با تاریخچه و عقاید آنها آشنا باشند تا از عهده پاسخگویی به پرسشهای دانشجویان در این باب برآیند و از حقانیت مذهب خود دفاع کنند. خوشبختانه کتابهای خوبی در این زمینه نگاشته شده که مهم‌ترین آنها «فرهنگ فرق اسلامی» است. (مشکور، ۱۳۸۴)

۶. آشنایی با نظام حقوقی اسلام

از جمله موضوعات بحث‌برانگیز در کلاسهای معارف اسلامی، نظام حقوقی اسلام، به خصوص نظام حقوق زن در اسلام، مانند ارث زن، دیه زن، شهادت زن، طلاق زن، قصاص و غیره است (جوان آراسه، ۱۳۸۴: ۲۰۷-۲۰۰). به نظر می‌رسد طرح این قبیل مسائل در کلاسهای معارف، بیشتر متأثر از جریانهای فمینیستی و مسئله حقوق بشر است. بر این اساس، بیان و تبیین این قبیل حقوق در دین اسلام به عهده مدرسان و مبلغان دین اسلام است و این نیز مستلزم آشنایی متصدیان امر با نظام حقوقی اسلام است؛ به خصوص در مواردی که محل نزاع موافقان و مخالفان است.

۷. آشنایی با مسائل مبتلابه فقهی خود و دانشجویان

یکی از بخشهای مجموع تعلیمات اسلامی که در کنار اخلاق، جلوه بیرونی دین تلقی می‌شود، بخش احکام است؛ «یعنی مسائل مربوط به کار و عمل، که چه کارهایی و چگونه باید انجام شود؛ از قبیل نماز، روزه، جهاد و...» (طهری، ۱۳۷۴: ۱۵-۱۶). آشنایی به مقدار مورد نیاز از این احکام؛ یعنی مسائل مبتلابه و عمل به آنها برای هر استاد معارفی دست کم از دو حیث ضروری است؛ زیرا اولاً، استاد معارف از آن حیث که مسلمان است، باید این قبیل مسائل را یاد بگیرد و عمل کند و ثانیاً، دانشجو به حق یا ناحق انتظار دارد استاد معارفش با مسائل فقهی آشنا و به آنها عامل باشد و به سؤالات فقهی مورد ابتلای آنان دست کم در حد کتاب «رساله دانشجویی» (حسینی، ۱۳۸۴) پاسخ دهد. وقتی چنین انتظاری برآورده نشود، اعتماد دانشجویان نسبت به این اساتید سلب می‌شود. بنابر این، بخشی از برنامه‌های تربیت اساتید معارف باید به آموزش احکام فقهی اختصاص یابد.

۸. آشنایی با شبهات جدید دینی

هر دینی در سیر تاریخی خود، به اقتضای اوضاع و شرایط جدید، همواره از ناحیه کسانی با اغراض گوناگون، با سؤالات و شبهات عدیده‌ای مواجه می‌شود که باید در اسرع وقت به رفع آن شبهات پردازد؛ و گرنه به تدریج سبب تضعیف آن دین و مذهب خواهد شد و اعتبار آن در نزد پیروانش خدشه‌دار می‌شود. از این رو، کسانی که کارشان تدریس متون دینی است، باید با اقسام شبهات جدید دینی آشنا باشند. «شبهات دینی را می‌توان به صورت

پراکنده ذکر کرد و آنها را نام برد، اما برای اینکه معلوم شود هر دسته از شبهات را باید در چه حیطه‌ای از مطالعات دین‌پژوهانه بررسی کرد، تقسیم‌بندی شبهاتی که دربارهٔ دین پدید آمده‌اند، مهم است» (ملکیان، ۱۳۹۴: ۲۱۷). بنابر این، لازم است اهم شبهات مطرح در کتابها یا رسانه‌ها را در یک مجموعه گردآوری و دسته‌بندی کرد و پاسخهای درخور را برای مخاطب امروزی با زبان امروزی فراهم آورد و در اختیار مدرسان معارف اسلامی قرار داد تا کمبود وقت، بهانه‌ای برای شانه خالی کردن از این وظیفه مهم نشود.

۹. آشنایی با ادیان جهان و جنبشهای نوپدید دینی

امروزه وجود ادیان تاریخی متعدّد و نیز ظهور و رشد شبه‌دینها یا جنبشهای نوپدید دینی، واقعیتی نازدودنی است و آشنایی عموم مردم، به خصوص دانشجویان با آنها به مدد رسانه‌های گروهی و وسایل ارتباط جمعی امری سهل شده است. از سویی، پیروان یک دین در مواجهه با این ادیان ممکن است از خود بپرسند که: از میان این ادیان واقعا کدام یک حق است و کدام یک باطل؛ یا اینکه هیچ کدام حق نیستند یا اینکه همه آنها حق‌اند (پرسشهای معرفت‌شناسانه)؟ آدمی با عمل به آموزه‌های کدام یک از ادیان زنده جهان رستگار می‌شود (پرسش کلامی)؟ و اینکه اگر پیروان هر یک از ادیان بر حقانیت دین خود اصرار بورزند و از طرف دیگر مجبور شوند در یک محیط زندگی کنند، با یکدیگر چگونه رفتار کنند (پرسش اخلاقی)؟ (پرسون و همکاران، ۱۳۷۹: ۴۰۱). مسلماً اگر افراد پاسخ مناسبی به این پرسشها پیدا نکنند، ممکن است در حقانیت دین موروثی خود دچار شک و تردید شوند و چه بسا از آن دست بکشند و به دین دیگر بگردند یا به کلی دین را برای همیشه کنار بگذارند. بنابر این، مدرّسان و مبلغان یک دین باید با یک دوره تاریخ ادیان با تأکید بر ادیان ابراهیمی (یهودیت، مسیحیت و اسلام) آشنایی داشته باشند تا اولاً، به حکم قاعده «تعرف الاشياء بأضدادها او بأغیارها» (هر چیزی با ضدّ خود یا با غیر خود شناخته می‌شود) بتوانند دین و مذهب خودشان را بیش از پیش بشناسند؛ ثانیاً، در صورت لزوم، موضع‌گیری صحیح در قبال سایر ادیان داشته باشند؛ ثالثاً، بتوانند به سؤالات مخاطبان خود که ذهنشان به سبب آشنایی با آموزه‌های آنها مشوّش شده است، پاسخ عالمانه و محققانه دهند. از سوی دیگر، مدتی است کیشها، مسلکها و نحله‌های عرفانی نوظهور سر برآورده‌اند و بنیانگذاران آن اغلب با استفاده از ادبیات لطیف و جذّاب، آموزه‌های برگرفته از ادیان تاریخی را با چاشنی علم روز و با قالبها و مدل‌های مختلف و جذّاب عرضه می‌کنند و داعیه حل بحرانهای اخلاقی، روحی و معنوی عصر جدید را دارند (فمّالی، ۱۳۸۷: ۱۴-۱۳). چنانچه با این جریانهای مدعی معنویت مقابله نشود، آسیبهای جدی به باورهای دینی افراد خواهد زد. حاصل آنکه استاد معارف بی‌خبر از این ادیان، مسلکها و مرامها، در کار تبلیغ و ترویج باورهای دینی خود راهی به دهی نخواهد برد.

۱۰. آشنایی با حوادث و مسائل روز

همه روزه حوادث بی‌شماری در زمینه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، دینی و غیره در اقصی نقاط جهان رخ می‌دهد و به واسطهٔ وسایل ارتباط جمعی نظیر مطبوعات، ماهواره، اینترنت، تلویزیون و مانند آنها، به سرعت در سراسر جهان پخش می‌شود و افکار عمومی را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد و خیلی وقتها

1084 ♦ ویژگی‌های شناختی و رفتاری مؤثر بر عملکرد اساتید گروه معارف اسلامی

برخی عقاید دینی را به چالش می‌کشد. برای مثال، وقوع زلزله، سیل و جنگهای ویرانگر و امثال آن باعث ایجاد «مسئله خدا و شر» شده است. از این رو، دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت دینی، بدون توجه به این تأثیرات و تأثرات و ناتوانی در تبیین نسبت این قبیل حوادث با باورهای دینی، عملاً نمی‌توانند موفقیت چشمگیری در کارشان داشته باشند. در دانشگاهها خواه ناخواه استادان گروه معارف در خط مقدم پاسخگویی به این قبیل مسائل‌اند.

۱۱. آشنایی با مؤلفه‌های دنیای جدید و پیامدهایشان

دنیای جدید، وصف دوره‌ای از تاریخ است که تقریباً از پانصد سال پیش بدین سو در اروپای غربی و آمریکای شمالی آغاز شده و تا به امروز ادامه دارد. به عبارت دقیق‌تر، در این دوره از تاریخ، انسانها و به اعتبار آنها جوامع و تمدن‌ها، واجد ویژگی‌هایی شده‌اند که آنها را از انسانها، جوامع و تمدنهای قدیم متمایز می‌سازند که اهم آنها عبارتند از: توجه روزافزون و انحصاری به علم تجربی، رشد فناوری، ظهور صنعت، افزایش رفاه مادی، سرمایه‌داری و بازار آزاد (کاپیتالیسم)، فرهنگ عمدتاً دنیوی و این‌جهانی (سکولار)، انسان‌محوری، فردگرایی، عقل‌گرایی و روی کار آمدن حکومت لیبرال-دموکراسی (بیات، ۱۳۸۱: ۵۳۸-۵۲۹). هر کدام از این ویژگی‌ها، حاکی از بُعدی از ابعاد دنیای جدید است. دنیای جدید با این ویژگی‌ها، به خصوص توجه روزافزون و انحصاری‌اش به علم تجربی (علم نوین)، دستاوردها و پیامدهایی برای اخلاقیات، فلسفه و به ویژه دین داشته که نیاز به موضع‌گیری‌های خردمندانه دارد. یقیناً یکی از مهم‌ترین پیامدهای منفی رشد و پیشرفت علم نوین برای دین، «شک‌گرایی دینی» است؛ یعنی در پی کشفیات علمی، برخی یا تمام اعتقادات و اعمال دینی و در رأس آنها اعتقاد به وجود خدا، به خصوص در قرن هفدهم و هجدهم زیر سؤال رفت. هر چند بین آن دو هیچ رابطه و گذر منطقی برقرار نباشد و صرفاً حاصل گذرهای روان‌شناختی باشد (استیس، ۱۳۸۱: ۱۴۱-۱۴۲). از این رو، آشنایی با مؤلفه‌های دنیای جدید و آگاهی از ربط و نسبت دین با آن مؤلفه‌ها و پیامدهای آنها برای متولیان فرهنگ دینی، به ویژه استادان گروه معارف اسلامی ضرورت دارد.

۱۲. تسلط کامل به متن درسی

تسلط و اشراف به متن آموزشی، شرط اساسی تدریس آن متن است. برای رسیدن به این هدف، باید متن درسی را پیش از تدریس به طور دقیق مطالعه کرد و نکات کلیدی، لغات دشوار، اصطلاحات فنی به کار رفته در آن و جملات و عبارات نارسا و مانند آن را شناسایی کرد و با رجوع به منابع معتبر دیگر، ابهامات موجود در متن را (در صورتی که ابهامی در کار باشد) رفع کرد تا با آمادگی و اعتماد به نفس بیشتری به تدریس پرداخت و پاسخگوی سؤالات دانشجویان درباره متن مد نظر بود. در این صورت است که هم دانشجو از تدریس استاد بهره‌مند می‌شود و هم اعتمادشان به او جلب می‌شود.

۱۳. شناسایی منابع تکمیلی معتبر متون درسی

بی‌شک، طرح چندین موضوع مختلف در یک متن درسی و پرداختن به جزئیات آن در زمان اندک، مثلاً در یک نیمسال دانشگاهی، عملاً ناممکن است. مدرس یک متن درسی علاوه بر تسلط به متن درسی، باید با

منابع موجود و معتبر در باب موضوعات مطرح شده در متون آموزشی آشنا باشد تا بتواند هم اشکالات و شبهات مطرح درباره سرفصلهای کتاب درسی را رفع کند و هم در صورت نیاز دانشجویان را به آنها ارجاع دهد. تدوین این قبیل منابع معتبر در گرایشهای مختلف بر عهده متولیان و دست‌اندرکاران امر از جمله نهاد رهبری است. یعنی علاوه بر تهیه متن معتبر برای هر یک از گرایشها، با ویژگی‌هایی که پیشتر ذکر شد، باید منابع معتبر تکمیلی برای هر درس تهیه و در اختیار اساتید قرار گیرد و هر از چندگاهی مثلاً موقع صدور یا تمدید مجوز تدریس تسلط آنان بر آن متون مورد سنجش مستمر قرار گیرد.

۱۴. تسلط به زبان عربی و انگلیسی

اساتید معارف به اقتضای دروسی که تدریس می‌کنند و دنیایی که در آن زندگی می‌کنند، به ناچار باید علاوه بر زبان فارسی، به دو زبان عربی و انگلیسی مسلط باشند؛ زیرا زبان عربی، زبان دین اسلام است و منابع اصلی دین مانند قرآن، نهج‌البلاغه و احادیث منقول از پیامبر اسلام (ص) و ائمه معصومین (ع) و نیز عمده تفاسیر و شرحهایی که برای آن منابع نوشته شده، به زبان عربی است. از طرفی، زبان انگلیسی، زبان بین‌المللی است و برای ارتباطات بین‌المللی و استفاده از منابع علمی برای آموزش و پژوهش و ترویج عقاید دینی در سطح جهانی، برای اساتید گروه معارف ضروری است.

۱۵. آشنایی با رشته‌های مختلف دانشگاهی

واقعیت این است که دانشجویانی که در کلاسهای دروس معارف اسلامی حاضر می‌شوند در حال فراگیری علوم مختلفی‌اند که عمدتاً به لحاظ موضوع، روش و غایت، با دروس معارف اسلامی متفاوت‌اند. برای اینکه اساتید معارف در انتقال معلومات دینی مؤثر عمل کنند و اعتماد دانشجویان را برای تأثیرگذاری جلب کنند، باید با موضوعاتی مثل مسائل، روشها و در یک کلام با حدود و ثغور رشته‌های مختلف دانشگاهی، به خصوص با رشته‌هایی چون روان‌شناسی، فلسفه، جامعه‌شناسی، زیست‌شناسی، فیزیک و... که برخی نظریات و یافته‌هایشان با آموزه‌های دینی تعارض دارند، آشنا باشند. اگر دانشجو گمان کند استاد معارف فقط به دروسی که تدریس می‌کند آگاهی دارد و به اصطلاح تخصصی زده است و با دانشجو هیچ‌گونه هم‌زبانی ندارد و از طرفی آنچه در دروس تخصصی یاد می‌گیرد، با آنچه دین می‌گوید تعارض دارد، به خصوص اگر دانشجو به دلایل مختلفی به علم‌گرایی (ساینسیسم) گرایش داشته باشد، برقراری ارتباط اثربخش با استاد معارف و محتوای دروس معارف دشوار خواهد شد.

ه) ویژگی‌های رفتاری مؤثر بر عملکرد اساتید گروه معارف اسلامی

یکی از تفاوت‌های مهم گروه معارف اسلامی با سایر گروه‌های موجود در دانشگاهها، دست کم بنا به ادعا و توقعی که دارد، جنبه تربیت دینی و نقش فرهنگ‌سازی این گروه است؛ یعنی اساتید این گروه فقط وظیفه ندارند که انبان ذهن دانشجو را پر از معلومات دینی کنند، بلکه وظیفه مهم و اساسی دیگر آنان این است که

1086 ♦ ویژگی‌های شناختی و رفتاری مؤثر بر عملکرد اساتید گروه معارف اسلامی

علاوه بر جدّ و جهد برای انتقال صحیح آگاهی‌های دینی، که شرط لازم و نه کافی دینداری است، کاری کنند که موجبات تحوّل اخلاقی دانشجویان را هر چه بیشتر فراهم سازند تا افزون بر تعمیق و تصحیح باورهای دینی‌شان، متخلّق به اخلاق حسنه باشند؛ زیرا دینداری افراد در درجه اول، در اخلاقی بودن پیروان آن دین تبلور پیدا می‌کند؛ یعنی اعتقادات و عبادیات دینی باید در رفتار و گفتار افراد ظهور و بروز عینی پیدا کند؛ چنانکه قرآن کریم می‌فرماید: «نماز را برپا دار، که نماز از ناشایستی و زشتکاری بازمی‌دارد» (عنکبوت: ۴۵). نماز، عملی عبادی است؛ ولی دوری از فحشا و منکر، یک عمل اخلاقی است؛ یعنی عبادیات در نهایت باید به اخلاق منجر بشوند. بنابر این، یکی از ویژگی‌هایی مؤثر در عملکرد اساتید معارف، ویژگی رفتاری و به تعبیر دقیق‌تر، اخلاقی بودن و صالح بودن آنان است. اخلاقی بودن آنان در درجه نخست برای خودشان مطلوب است و در درجه دوم، در تربیت اخلاقی دانشجویان و نیز در بهبود روابط میان استاد و دانشجو مؤثر خواهد بود که در عین حال از اهداف و رسالت گروه معارف اسلامی است. منظور از تربیت اخلاقی، «فرایندی است برای شکوفاسازی و فراهم کردن زمینه پرورش فضایل اخلاقی در فرد و واقعیت یافتن نیکی طبیعت انسان تا با تکیه بر درون‌مایه‌های فطری خویش، آنچه خیر و فضیلت است کشف کند و از آنچه شر و بدی است پرهیزد» (اخوی، ۱۳۹۰: ۵۶). اما سؤال مهم این است که با چه روشها و شیوه‌هایی می‌توان در تربیت اخلاقی دانشجویان بویژه به نحو غیر مستقیم موفق بود؟

امروزه رویکردها، روشها و شیوه‌های مختلفی در تربیت اخلاقی مطرح است؛ از جمله: روش اعطای بینش، روش مطالعه و تفکر، روش تلقین، روش ترغیب، روش پاداش‌دهی، روش تغافل، روش روبه‌رو شدن با نتایج اعمال و نظایر آن (سجادی، ۱۳۷۹: ۱۶۵-۱۶۰؛ اخوی، ۱۳۹۰: ۸۰-۵۷). در این میان، یکی از مؤثرترین روشها در تربیت اخلاقی، روش الگویی یا ارائه اسوه‌هاست؛ زیرا الگو بودن برای متریان و معرفی الگوهای متناسب با متریان، کوتاه‌ترین راه تغییر اخلاق و رفتار انسانهاست. (همان: ۷۹). از مهم‌ترین ویژگی‌های این روش، تأثیرگذاری عمیق در یادگیری، سرعت در یادگیری، کاهش میزان اشتباهات، میزان سنجش رفتار و برجسته‌ترین مبانی آن، تأثیرپذیری انسان از محیط، تقلیدپذیری انسان، کمال‌طلبی انسان، قهرمان‌جویی انسان و نیاز روانی انسان به الگو است. همچنین اصول حاکم بر روش الگویی، ممتاز و نمونه بودن الگو، هماهنگی و همراهی بین الگو و پیرو، عینی و در دسترس بودن الگو، همدرد بودن الگو با الگوپذیر است و از آفات آن می‌توان به مریدپروری، الگوبرداری تام و تمام و... اشاره کرد. (بنکدار، ۱۳۸۵: ۹۶-۸۳)

این روش از جمله روشهایی است که با استناد به آیات و روایات متعددی تأیید شده است. قرآن ضمن هشدار درباره تبعیت از سرمشهای غیر اخلاقی (مانده: ۱۰۴)، همواره الگوهای الهی و کامل را به پیروانش می‌شناساند و به اقتدا و پیروی از آنان تأکید می‌ورزد: «به راستی که برای شما در پیامبر خدا سرمشق نیکویی هست» (احزاب: ۲۱)؛ یا به تعبیر امام صادق (ع)، مردم را باید به غیر زبان؛ یعنی با رفتار خود دعوت به خیر و نیکی کرد (کلینی، ۱۳۶۵: ج ۲: ۷۸) و نیز امام علی (ع) در این باره می‌فرماید: «کسی که خود را رهبر مردم قرار

داد، بايد پيش از آنكه به تعليم ديگران پردازد، خود را بسازد و پيش از آنكه به گفتار تربيت كند، با كردار تعليم دهد؛ زيرا آن كس كه خود را تعليم دهد و ادب كند، سزاوارتر به تعظيم است از آن كه ديگري را تعليم دهد و ادب بياموزد». (نهج البلاغه، حكمت ۷۳)

حاصل آنكه، الگوي اخلاقي بودن اساتيد گروه معارف اسلامي، يكي از روشهاي مؤثر در تربيت اخلاقي دانشجوست؛ مشروط بر اينكه ابتدا چنين اساتيدي تربيت شده باشند. اما از آنجا كه هيچ كس نمي‌تواند جامع جميع فضائل اخلاقي باشد و از سويي، در اينجا اصول اخلاقي اسلامي بين فردي و به عبارتي، اخلاق اجتماعي مد نظر است؛ بنا بر اين، اهم اخلاقياتي را ذكر مي‌كنيم كه ناظر به رابطه استاد با دانشجوست يا دست كم دانشجويان انتظار دارند اساتيد گروه معارف واجد آن اوصاف اخلاقي باشند.

توضيح مطلب آن است كه اخلاق پژوهان معاصر، به اعتبارهاي مختلف، صورت‌بندي‌هاي گوناگوني از اخلاق ارائه داده‌اند. در يك تقسيم‌بندي، اخلاق تقسيم مي‌شود به: اخلاق بندگي (ناظر به رابطه انسان با خدا و از مصاديق آن: ايمان، اخلاص، پرستش و...)؛ اخلاق فردي (ناظر به رابطه انسان با خود و از مصاديق آن: صبر، عزت نفس، حكمت و...)؛ اخلاق اجتماعي (ناظر به رابطه انسان با هموعان و از مصاديق آن: عدل، تواضع، صداقت و...)؛ و اخلاق زيست‌محيطي (ناظر به رابطه انسان با طبيعت و از مصاديق آن: حفاظت از محيط زيست، جلوگیری از آلودگي، مصرف بهينه و...) (فلاح، ۱۳۹۷: ۱۱۴؛ فففور مغربي، ۱۳۸۸: ۱۲). در اينجا از چهار نوع اخلاق مذکور، اخلاق اجتماعي مطرح نظر است. از اهم مصاديق اخلاق ناظر به مناسبات استاد با دانشجو عبارتند از:

۱. صداقت

بي‌شك، صداقت و راستگويي در مقابل دروغگويي، از اصول مسلم اخلاق اسلامي و به تعبير برخي علمای اخلاق، «اشرف صفات نفسانيه و رئيس اخلاق ملكيه» است (ترافي، ۱۳۷۴: ۴۴۵). صداقت مراتبي دارد و آن عبارت است از: صدق در سخن و گفتار، صدق در كردار و اخلاق و صدق در مقامات دين (همان: ۴۴۶). صداقت و درستكاري استاد معارف، دست كم در دو قلمرو براي دانشجو حايز اهميت است: ۱. حوزه كاري؛ ۲. حوزه ديني؛ بدین معنا كه اولاً، استاد در آنچه درباره مسائل درس و بحث مطرح مي‌كند، صادق باشد؛ ثانياً، آثار آنچه درباره اخلاق و دين، مانند راستگويي، صبر، زهد، خوف از خدا و... مي‌گويد، توصيه مي‌كند يا به خود نسبت مي‌دهد، در عمل ديده شود؛ در غير اين صورت، دانشجو هم اعتمادش را به استاد از دست مي‌دهد و هم در باورهاي ديني خود، ولو با يك گذر روان‌شناختي دچار شك و ترديد مي‌شود. بنا بر اين، اولين صفت اخلاقي استاد معارف، صدق در گفتار، كردار و مقامات دين است.

۲. عدالت

يكي ديگر از ارزشهاي اخلاق اسلامي اجتماعي كه با همه دشواري‌هايش از اصول بسيار مهم اخلاق حرفه‌اي در مناسبات استاد با دانشجوست، رعایت عدالت و انصاف است. از مهم‌ترين مصاديق رعایت اصل

1088 ♦ ویژگی‌های شناختی و رفتاری مؤثر بر عملکرد اساتید گروه معارف اسلامی

عدالت و انصاف در ارتباط با دانشجو می‌توان به رعایت عدالت در تعامل با دانشجو، آموزش و ارزشیابی اشاره کرد؛ یعنی استاد در برخورد با دانشجویان، ویژگی‌های فردی آنها را در نظر بگیرد؛ تشویق و تنبیه‌اش بجا و متناسب باشد؛ در وضع قوانین و مقررات برای مدیریت کلاس منصف باشد؛ بدون هیچ تبعیضی همه دانشجویان را در فرایند یادگیری مشارکت دهد؛ به همه دانشجویان به طور مساوی حق اظهار نظر و سؤال دهد؛ در آموزش، توانایی و آمادگی همه دانشجویان، اعم از ضعیف، متوسط و قوی را لحاظ کند؛ به هنگام ارزشیابی، حبّ و بغض خود را دخالت ندهد؛ قواعد مشخصی را برای ارزشیابی وضع کند؛ ارزشیابی‌اش مستمر باشد؛ فعالیتهای دانشجویان را بر اساس توانایی آنان ارزشیابی کند و... (صفایی مقدم و همکاران، ۱۳۹۵: ۴۰-۳۸)

۳. تواضع

از دیگر فضایل اخلاقی مهم در ارتباط استاد با دانشجو، صفت تواضع و فروتنی است که حد وسط تکبر و تذلل است و آن «عبارت است از شکسته‌نفسی که نگذارد آدمی خود را بالاتر از دیگری ببیند» (نراقی، ۱۳۷۴: ۲۲۷). صفتی که خداوند آن را به بندگانش اختصاص داده است و می‌فرماید: «و بندگانش را رحمان کسانی‌اند که روی زمین فروتنانه راه می‌روند» (فرقان: ۶۳). داشتن تواضع و فروتنی از این نظر برای استاد ضرورت دارد که وی از جهات مختلفی مانند سن و سال، توانایی‌ها و مهارتهای حرفه‌ای، برتر از دانشجویانش قرار دارد و این امر می‌تواند او را دچار کبر و غرور کند و این نیز به نوبه خود ممکن است باعث تحقیر و تخفیف دانشجویانش شود. از این رو، استاد با سبقت گرفتن در سلام دادن و احوال‌پرسی، به رخ نکشاندن مقام و موقعیت و سطح تحصیلات خود، اغراق نکردن در بیان توانایی‌ها و شایستگی‌هایش، گوش دادن به سؤالات و نظرات دانشجویان ولو در شرایط سخت و نظایر آن می‌تواند تواضع و فروتنی خود را به شرط عدم ریاکاری، برای دانشجویانش نشان دهد و در نتیجه، به تنظیم روابط سالم با زیردستانش یاری رساند. (صفایی مقدم و همکاران، ۱۳۹۵: ۳۵-۳۴)

۴. سعه صدر

سعه صدر (شرح صدر، گشودگی اخلاقی، بردباری اخلاق) از جمله فضایل اخلاقی اجتماعی است که نقش مؤثری در تعمیق و توسعه تحولات مطلوب در متمدنی‌ایفا می‌کند. سعه صدر؛ یعنی «ظرفیت و قدرت فکری و روحی در مواجهه با مسائل و موقعیتهای نامطلوب و ناخواسته» (شرفی، ۱۳۸۷: ۱۳۳-۱۳۲)؛ یا به تعبیر استاد مطهری، شرح صدر یعنی «ظرفیت روحی بسیار وسیع و تحمل فوق‌العاده زیاد» (مطهری، ۱۳۷۷: ۱۱۹). دلالت‌های قرآنی و روایی متقن و مکفی برای این فضیلت پسندیده اخلاقی وجود دارد. قرآن در حکایتی از قول حضرت موسی (ع) می‌فرماید: **«قَالَ رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي»** (طه: ۲۵)؛ گفت: پروردگارا! دل مرا برایم گشاده دار.

استاد معارف با تحصيل اين فضليت اخلاقي است كه مي‌تواند با گشاده‌رويي با دانشجويان برخورد كند، عيوبشان را نادیده بگیرد، خشمش را فروخورد، بدی‌هايشان را با خوبي پاسخ دهد، آرامش و وقار خود را حفظ كند، انعطاف‌پذير و انتقادپذير باشد، از خطاها و اشتباهات آنان درگذرد و در عين حال قاطعيت داشته باشد. (نظري، ۱۳۹۵: ۳۲-۲۵)

۵. خير خواهی

يکي ديگر از جلوه‌های اخلاق اجتماعي اسلامي، صفت خير خواهی است كه درست در نقطه مقابل حسادت قرار دارد. خير خواهی؛ يعني خير و خوبي ديگران را خواستن و به تعبير ديگر؛ «خواستن نعمتي كه به صلاح برادر مسلم [ديگران] باشد» (نراقي، ۱۳۷۴: ۳۴۷). اين فضيلت در دين اسلام از چنان جايگاهي برخوردار است كه خدا در قرآن كريم از خير خواهی پيامبر (ص) چنين ياد مي‌كند: «چه بسا تو جانت را مي‌فرسايي كه چرا [مشرکان] مؤمن نمی‌شوند» (شعرا: ۳). به نظر مي‌رسد مهم‌ترين جنبه خير خواهی استاد براي دانشجويانش اين است كه اندیشه‌های نيك و تجربيات ارزنده‌اش را در زمينه‌های مختلف، بدون هيچ شائبه‌ای در اختيار آنان قرار دهد.

قطعاً استادی با اين فضاي اخلاقي براي دانشجويان، جذّاب و تأثيرگذار و در يك كلام، «الگو» خواهد بود. هر چند بايد پذيرفت كه آراسته شدن به اين فضاي اخلاقي و به تعبير ديگر، اخلاقي زيستن، مشروط به شرايطي از جمله: برآورده شدن نيازهای معيشتي اوليه، استحکام مباني فلسفي اخلاق، داشتن عزت نفس و... است كه در صورت عدم حصول آن شرايط، متّصف شدن بدانه‌ها بسيار بسيار دشوار است (ملكيان، ۱۳۸۵: ۲۷۰-۲۶۴) و جايي كه استاد، خود فاقد فضاي اخلاقي باشد، مسلماً نمی‌تواند ديگران را به فضاي اخلاقي ترغيب يا آراسته كند. نکته آخر در اين باره اينكه، به سبب ضعف اخلاقي‌ای كه هر انساني از جمله اساتيد گروه معارف ممكن است داشته باشند و نيز عدم ارتباط مستمر آنان با دانشجويان به دليل عمومي بودن دروس معارف، نبايد انتظارات نامعقول و معجزه‌گونه‌ای در اين زمينه از گروه و اساتيد آن داشت، مگر اينكه سازوکار جديدي تعريف و تدبيري ديگر انديشيده شود.

(و) نتيجه‌گيري و پيشهاد

از آنچه گفتيم برمي‌آيد كه امروزه براي تغيير و تصحيح باورهای ديني و دگرگوني‌های مطلوب اخلاقي دانشجويان، نيازمند اساتيدي با ويژگي‌های مذکور در دو عرصه نظر و عمل هستيم؛ يعني اولاً، به لحاظ معرفتي در دو جنبه دين‌شناسي و زمانه‌شناسي، واجد معيارهای گفته‌شده باشند كه اين امر با همه با دشواري‌هايش، ضروري و ممكن است. از اين نظر دشوار است كه اساتيد اين گروه در عين حال كه يکي از گرايشهای هفت‌گانه دروس معارف اسلامي را به صورت تخصصي مطالعه و تدريس مي‌كنند، بايد از محتوا و مسائل ساير گرايشها نيز آگاهی داشته باشند؛ چون محتوای آموزشي اين گروه به گونه‌ای به هم وابسته و در هم تنيده است كه بدون شناخت ابعاد و اضلاع گوناگون دين اسلام، نمی‌توان از عهده تدريس

1090 ♦ ویژگی‌های شناختی و رفتاری مؤثر بر عملکرد اساتید گروه معارف اسلامی

و تبیین یک بُعد آن به درستی برآمد. از سوی دیگر، در عصری به سر می‌بریم که به واسطه ابزارها و وسایل ارتباطی، مرزهای جغرافیایی درنوردیده شده است و رقبای قدری، از ادیان تاریخی گرفته تا مکاتب فکری بشری، پا به میدان گذاشته‌اند که ادعای حقانیت و داعیه هدایت و راهنمایی انسانها به سعادت، معنویت و آرامش را دارند. بی‌شک بدون شناخت نقاط قوت و ضعف آنها و تشخیص کم و کیف مناسباتشان با دین اسلام، نمی‌توان در این عرصه رقابت نفس‌گیر، از برتری دین اسلام و تعالیم نجات‌بخش آن دم زد و دفاع معقولی از آن داشت. ثانیاً، به لحاظ سلوکی، متخلّق به فضایل اخلاقی باشند تا بتوانند با کردارشان بر مخاطبان خویش تأثیر بگذارند و موجبات اصلاح رفتار آنان را فراهم سازند.

خوشبختانه هم‌اکنون وظیفه تربیت استادان توانمند و کارآمد را «دانشگاه معارف اسلامی» و برخی گروه‌های معارف اسلامی دانشگاهها بر عهده گرفته‌اند و از دوره کارشناسی ارشد دانشجو می‌پذیرند. به نظر نگارنده، برای تربیت نیروهایی با ویژگی‌های احصا شده، اخذ دانشجو از دوره کارشناسی نتیجه بهتری به دنبال دارد. تحصیلات پیوسته آنان تا مقطع دکتری برای آراسته ساختنشان به توانایی و فضائلی که بیان شد، ضروری به نظر می‌رسد. دلالت ضمنی آنچه بیان شد، این است که به کار گرفتن اساتید حقوق‌التدریس، به خصوص افرادی که حرفه اصلی آنان چیزی غیر از آموزش است، بر خلاف مطالبی است که در این مقاله تحلیل و موشکافی شد. این افراد عموماً (و نه ضرورتاً) به دلیل قرار داشتن در فضایی کاملاً متفاوت و طی نکردن مراحل لازم، فاقد ویژگی‌هایی خواهند بود که برای یک استاد کارآمد معارف اسلامی ضروری است. روشن است که اخذ آزمون به تنهایی نمی‌تواند آراسته بودنشان به ویژگی‌های پیش‌گفته را تضمین کند.



منابع

- قرآن کریم. ترجمه بهاء‌الدین خرمشاهی.
- نهج‌البلاغه. ترجمه محمد دشتی.
- اخوی، اصغر (۱۳۹۰). «روشهای تربیت اخلاقی از دیدگاه اسلام». فرهنگ و تربیت اسلامی، ش ۱۶.
- استیس، والتر ترنس (۱۳۸۱). دین و نگرش نوین. ترجمه احمدرضا جلیلی. تهران: حکمت، چ دوم.
- بنکدار، هدی (۱۳۸۵). «نقش و جایگاه الگوها در تربیت اخلاقی». راه تربیت، ش ۱.
- بیات، عبدالرسول (۱۳۸۱). فرهنگ واژه‌ها. قم: مؤسسه اندیشه و فرهنگ دینی، چ چهارم.
- پترسون، مایکل و همکاران (۱۳۷۹). عقل و اعتقاد دینی. ترجمه احمد نراقی و ابراهیم سلطانی. تهران: طرح نو، چ سوم.
- جوان آراسته، حسین (۱۳۸۴). حقوق اجتماعی و سیاسی در اسلام. قم: دفتر نشر معارف.
- حسینی، سید مجتبی (۱۳۸۴). رساله دانشجویی. قم: دفتر نشر معارف.
- دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی (۱۳۹۷). مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی (۲۷ آذر ۱۳۶۳- اسفند ۱۳۹۶). تهران: دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی.
- سجادی، مهدی (۱۳۷۹). رویکردها و روشهای تربیت اخلاقی و ارزشی. پژوهشهای فلسفی کلامی. ش ۳.
- شهیدی، جعفر (۱۳۸۲). تاریخ تحلیلی اسلام. تهران: مرکز نشر دانشگاهی، چ سی و چهارم.
- شرفی، محمدرضا (۱۳۸۷). «گشودگی اخلاقی در تربیت اسلامی». اندیشه نوین تربیتی (دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه الزهراء)، دوره چهارم، ش ۲-۱.
- صفایی مقدم، مسعود و همکاران (۱۳۹۵). «مبانی و اصول اخلاقی: ارتباط معلم با دانش‌آموزان». پژوهشنامه مبانی تعلیم تربیت (دانشگاه فردوسی مشهد)، سال ششم، ش ۱.
- طباطبایی، محمدحسین (بی تا). خلاصه تعالیم اسلام. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- عباسی، حسن (۱۳۹۱). «بازنگری در شیوه تدریس معارف اسلامی». مجله معارف، ش ۹۳.
- غلامی گنجوی، عبدالله و مریم شمسایی (۱۳۹۸). «شناخت آسیبها و راهکارهای کارآمدی دروس معارف اسلامی در دانشگاه علوم پزشکی شیراز». مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی، سال بیست و سوم، ش ۳.
- فعالی، محمدتقی (۱۳۸۷). آفتاب و سایه‌ها؛ نگاهی به جریانهای نوظهور معنویت‌گرا. قم: نجم‌الهدی، چ پنجم.

1092 ♦ ویژگی‌های شناختی و رفتاری مؤثر بر عملکرد اساتید گروه معارف اسلامی

- فغفور مغربی، حمید (۱۳۸۸). «اصول اخلاقی محیط زیست از منظر اسلام». *اخلاق پزشکی*، سال سوم، ش ۸.
- فلاح، محمدجواد و نسیم کرنوکر (۱۳۹۷). «مرزشناسی اخلاق فردی و اجتماعی و تحلیل ارزشگذاری آن با معیارهای اسلامی». *پژوهشنامه اخلاق*، سال یازدهم، ش ۴۲.
- فیروزی، رضا (۱۳۹۴). «آسیب‌شناسی دروس و جایگاه استادان معارف اسلامی با توجه به دیدگاه‌های دانشجویان علوم پزشکی ارومیه در دوره‌های دکتری حرفه‌ای». *مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی*، سال نوزدهم، ش ۲.
- کلینی، محمدبن یعقوب (۱۳۶۵). *اصول کافی*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- محدثی، جواد (۱۳۷۷). *روشها*. قم: معروف، چ ششم.
- محسن پور، محمد (۱۳۹۳). «بایدها و نبایدهای گروه معارف اسلامی». *مجله معارف*، ش ۱۰۵.
- مشکور، محمدجواد (۱۳۸۴). *فرهنگ فرق اسلامی*. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی، چ چهارم.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۷۸). «ضرورت برنامه‌ریزی برای استادان و دروس معارف اسلامی». *مجله معارف*، ش ۵۵.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۴). *آشنایی با علوم اسلامی*. تهران: صدرا. چ پانزدهم.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۷). *سیری در سیره نبوی*. تهران: صدرا، چ پانزدهم.
- مظاهری، حسین (۱۳۸۹). «بایدها و نبایدهای استادان و دروس معارف اسلامی». *مجله معارف*، ش ۷۵.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۶). *برگزیده تفسیر نمونه*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- ملکیان، مصطفی (۱۳۹۴). *در رهگذار باد و تکه‌بان لاله*. تهران: نگاه معاصر.
- ملکیان، مصطفی (۱۳۸۵). *مشتاقی و مهجوری*. تهران: نگاه معاصر.
- موسوی مقدم، رحمت‌الله (۱۳۹۲). «اولویت؛ توانمندسازی اساتید در روش و محتوا». *مجله معارف*، ش ۹۸.
- نراقی، احمد (۱۳۷۴). *معراج السعاده*. تهران: دهقان.
- نظری، آذر (۱۳۹۵). *جایگاه سعه صدر و صبر از منظر اخلاق اسلامی و تأثیر آن در اخلاق اجتماعی*. تهران: آرنا.
- **The Holy Quran**. Translated by Baha al-Din Khurramshahi.
- **Nahj al-Blaghah**. Translated by Mohammad Dashti.
- Abbasi, Hassan (2012). “Review of the method of teaching Islamic thought”. *Journal of Education*, No. 93.
- Akhavi, Asghar (2011). “Methods of moral education from the perspective of Islam”. *Quarterly Journal of Islamic Culture and Education*, No. 16.

- Bayat, Abdul Rasool (2003). **Glossary**. Qom: Institute of Religious Thought and Culture, edition 4.
- Bonakdar, Hoda (2006). **“The role and position of models in moral education”**. *The way of education*, No. 1.
- Faali, Mohammad Taqi (2008). **Sunshin and shadows; Take a look at emerging spiritualist currents**. Qom: Najm Al-Huda Publications. Edition 5.
- Faghfor Maghribi, Hamid (2009). **“Ethical principles of the environment from the perspective of Islam”**. *Journal of Medical Ethics*, Third Year, No. 8.
- Fallah, Mohammad Jawad & Nasim Kernoker (2018). **“Boundary of individual and social ethics and analysis of its evaluation with Islamic standards”**. *Ethics Research Quarterly*, Eleventh year. No. 42.
- Firoozi, Reza (2015). **“Pathology of courses and the position of professors of Islamic education according to the views of Urmia medical students in professional doctoral courses”**. *Quarterly Journal of Epistemological Studies in Islamic University*, Nineteenth year. No 2.
- Gholami Ganjavi, Abdullah & Maryam Shamsaii (2020). **“Recognizing the harms and effective strategies of Islamic education courses in Shiraz University of Medical Sciences”**. *Journal of Epistemological Studies in Islamic University*, Twenty-third year, No. 3.
- Hosseini, Seyed Mojtaba (2005). **Student Thesis**. Qom: Maaref Publishing Office.
- Javan Arasteh, Hossein (2005). **Social and political rights in Islam**. Qom: Maaref Publishing Office.
- Kolini, Mohammad ibn Yaqub (1986). **Usul al-Kafi**. Tehran: Islamic Library.
- Makarem Shirazi, Nasser (1997). **A Summary of Tafsir-e Nemoone**. Tehran: Islamic Library.
- Malekian, Mustafa (2006). **Eager and abandoned**. Tehran: Contemporary Look Publishing.
- Malekian, Mustafa (2015). **In the passage of the wind and the guardian of the tulip**. Tehran: Contemporary Look.
- Mashhour, Mohammad Javad (2006). **A Dictionary of Islamic Sects**. Islamic Research Foundation, edition 14.
- Mazaheri, Hossein (2010). **“Do's and Don'ts of Professors and Courses in Islamic Studies”**. *Journal of Education*, No. 75.
- Mesbah Yazdi, Mohammad Taghi (1999). **“The need for planning for professors and courses in Islamic Thought”**. *Journal of Education*, No. 55.
- Mohsenpour, Mohammad (2014). **“Do's and Don'ts of Islamic Education Group”**. *Journal of Education*, No. 105.

- Motahari, Morteza (1995). **Introduction to Islamic sciences**. Tehran: Sadra Publications. edition 15.
- Motahari, Morteza (1998). **Siri in the Prophetic Sira**. Tehran: Sadra Publications. edition 15.
- Mousavi Moghaddam, Rahmatullah (2013). **“Priority; Empowering professors in method and content”**. *Journal of Education*, No. 98.
- Muhaddesi, Javad (1998). **Methods**. Qom: Famous Publishing. edition 6.
- Naraghi, Ahmad (1995). **Ascension of happiness**. Tehran: Dehghan Publications.
- Nazari, Azar (2016). **The position of patience and patience from the perspective of Islamic ethics and its impact on social ethics**, Tehran: Arena.
- Petterson, Michael and others (2000). **Reason and religious belief. Translators Ahmad Naraghi and Ebrahim Soltani**; Tehran: New Design Publications, edition 3.
- Safaei Moghadam, Massoud & Others (2016). **“Fundamentals and Ethical Principles: Teacher-Student Relationship”**. *Journal of Fundamentals of Education* (Ferdowsi University of Mashhad), Year 6. No. 1.
- Sajjadi, Mehdi (2000). **Approaches and methods of moral and value education**. Theological philosophical research. No. 3.
- Secretariat of the Supreme Council of the Cultural Revolution (2019). **Resolutions of the Supreme Council of the Cultural Revolution** (December 18, 1984- March 2017). Tehran: Secretariat of the Supreme Council of the Cultural Revolution.
- Shahidi, Jafar (2003). **Analytical History of Islam**. Tehran: University Publishing Center. edition 34.
- Sharafi, Mohammad Reza (2008). **“Ethical openness in Islamic education”**. *New Educational Thought, Faculty of Educational Sciences and Psychology, Al-Zahra University*, Vol. 4, No. 1-2.
- Stacey, Walter Terence (2002). **Religion and the modern mind**. Ahmad Reza Jalili. Tehran. Hekmat Press. Printing turn, 2.
- Tabatabai, Mohammad Hussein (update). **Summary of the teachings of Islam**. Qom: Islamic Propaganda Office Publishing Center.

